

گزارش

قالیاف و سفرهای استانی تا ۱۴۰۰

● نظارت یا مج‌گیری؟ به نظر می‌رسد مجلس اصولگرایان کارویژه‌ای در یک سال باقی‌مانده از دولت روحانی برای خود تعریف کرده است. کارویژه‌ای که بعید است با پایان دولت دوازدهم و روی‌کارآمدن احتمالی یک دولت اصولگرا ادامه پیدا کند. محمدباقر قالیباف و هم‌سلکان اصولگرایش در مجلس یازدهم معتقدند باید از قانون‌گذاری به سمت نظارت شیفت کنند. نظارت بر کدام نهاد؟ مشخصاً نهاد دولت. مجلس اصولگرا تصمیم دارد برخلاف قانون اساسی کار قانون‌گذاری را مشترکا با شورای نگهبان و مجمع تشخیص تقسیم کند و این یک سال را به دولت روحانی بپردازد. تاجایی‌که خود قالیباف در دیدار با آیت‌الله جنتی گفته بود، چون نیاز چندانی به تصویب قوانین جدید نیست، مجلس باید از حیظه قانون‌گذاری به سمت نظارت حرکت کند. احضار یک به یک وزرای دولت و حتی تهدید به طرح استیضاح خود روحانی و دیگر وزرایش مانند زنگنه هم حاکی از دست‌فرمان سال آتی مجلس است. افتتاح خط لوله آب قزاینیه و سرکشی رئیس مجلس به خوزستان آن‌طور که خود قالیباف ادعاان کرده، در راستای همین کارویژه‌ای است که برای خود و مجلس تعریف کرده است. قالیباف نمی‌خواهد از قالب توصیف‌شده برای خودش یعنی مدیر جهادی بیرون بیاید. او وقتی رئیس مجلس هم هست تصور می‌کند مانند یک شهردار باید پروژه‌های عمرانی را افتتاح کند و بر مسائل اجرایی نظارت داشته باشد. در حالی که او هیچ سمت اجرایی‌ای ندارد. قالیباف در سفرش به خوزستان جمله‌ای بر زبان رانده که قابل تأمل است. گویا خودش هم می‌داند حوزه‌ای که به آن ورود کرده ربطی به وظیفه فعلی‌اش ندارد. مهر به نقل از قالیباف نوشته است: «امیدوارم با رویکرد نظارتی مجلس یازدهم و حضور میدانی شاهد حل مشکلات باشیم زیرا قصدمان از این سفرها به استان‌ها مج‌گیری نیست؛ بلکه پیگیری برای برطرف‌کردن امور، پاسخ‌گویی مسئولان و در صورت نیاز قانون‌گذاری است». رئیس مجلس و برخی نمایندگان تهران در حالی به خوزستان رفته‌اند که طبق قانون این وظیفه نماینده خوزستان است که از حوزه نمایندگی‌اش سرکشی کند نه نماینده تهران. تا به حال سابقه نداشته که نماینده‌ای وارد حوزه نماینده دیگر شود! اما خبرگزاری اصولگرای مهر ماجرا را این‌طور روایت کرده: «محمدباقر قالیباف شامگاه سه‌شنبه در ادامه نظارت میدانی خود بر حوزه‌های انتخابیه استان خوزستان در نشستی به بررسی مشکلات و دغدغه‌های مطرح‌شده از سوی مردم آبادان، خرمشهر، هندیجان و ماهشهر پرداخت. سفرهای رئیس مجلس شبیه سفرهای رئیس دولت نهم و دهم است. سفرهای استانی هم را احمدی‌نژاد آغاز شد. همان وقت عده‌ای این سفرها را نماد و تبلور پوپولیسم و عوام‌گرایی می‌دانستند. ازبهای که برای روحانی هم ماند و تا دولت نخستن هم به آن وامدار مانده بود. قالیباف گفته نظارت میدانی مجلس یازدهم را از استان خوزستان شروع کردیم تا دیدمان را به مردم این سرزمین ادا کنیم. اگر قالیباف قصد جدی برای انتخابات ۱۴۰۰ داشته باشد این سفرها کمک زیادی به او خواهد کرد…»

شرق

غلامعلی حدادعادل در جریان دیدار با نمایندگان مجلس

شرق: غلامعلی حدادعادل گرچه همیشه سعی کرده است که خود را به‌عنوان حلقه وصل نیروهای اصولگرا معرفی کند؛ اما وقتی به کارنامه سیاسی او نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که او چندان هم در تحقق چنین خواسته‌ای موفق نبوده است؛ چه آن زمان که بعد از ریاستش بر مجلس هفتم، در دو مجلس هشتم و نهم رقابت ریاست مجلس را به علی لاریجانی باخت و چه آن زمان که در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ و مجلس سال ۹۴ با اقبال پایین رای‌دهندگان مواجه شد. حداد علاوه بر آنکه در عرصه‌های انتخاباتی موفق چندانی به دست نیاورده، در عرصه راهبری جریان اصولگرایی یا به تعبیری پدری بر این جریان هم موفق نبوده است که نمونه متاخر آن عدم اجماع اصولگرایان تا روز آخر انتخابات مجلس یازدهم بود که حداد هرچه تلاش کرد نه‌تنها از اختلافات طیف‌های مختلف اصولگرایی اعم از نواصولگرایان یا مدافعان قالیباف، جبهه پایداری، اصولگرایان سنتی و… کاسته نشد و هر روز بر دامنه اختلافات افزوده می‌شد تا آنکه در روز آخر تبلیغات انتخاباتی یک لیست واحد منتشر شد که البته به دلیل کمبود وقت برای تبلیغات چندان اثری در روند انتخابات نگذاشت و شاید اگر ردصلاحت گسترده نیروهای اصلاح‌طلب در کار نبود، رای آوردن آن لیست با مشکل روبه‌رو می‌شد؛ هرچند در نهایت هم اصولگرایان با رای حداقلی راهی مجلس شدند. اما حدادعادل کیست که برخی با توجه به سابقه نامزدی‌اش در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ او را یکی از گزینه‌های محتمل ریاست‌جمهوری می‌دانند؟

مسئولیت‌ها در ابتدای انقلاب

با پیروزی انقلاب حداد در معاونت وزارت ارشاد وقت به فعالیت مشغول شد. از دیگر مسئولیت‌های او در این دوران، شورای مدیریت صداوسیما بود. کمی بعد از آن او به وزارت آموزش‌وپرورش رفت و در آنجا نیز به مدت حدود ۱۱ سال ابتدا مشاور و بعد معاونت این وزارتخانه را برعهده گرفت.

ورود به مجلس ششم

حدادعادل در انتخابات مجلس ششم کاندیدا شد و درجریان بازشماری آرای تهران به جای علیرضا رحایی به مجلس راه یافت. شورای نگهبان در آن مقطع اعلام کرده بود که صندوق‌هایی که مخدوش‌بودن آنها از نظر شورای نگهبان به اثبات رسیده است و با معیارهای شورای نگهبان تاییدکردنی نیست، باید ابطال شود و به همین دلیل بود که تصویب اعتبارنامه حدادعادل نزدیک به شش‌ماه طول کشید و بعد از انجام رای‌گیری‌ها اعتبارنامه حدادعادل تایید شد. حداد در آن مجلس رئیس فراکسیون اقلیت بود.

ریاست بر مجلس هفتم

درپی ردصلاحت گسترده نامزدهای اصلاح‌طلب در انتخابات مجلس هفتم که البته با حواشی بسیاری ازجمله تحسن و استعفای دسته‌جمعی نمایندگان مجلس ششم که در انتخابات مجلس هفتم ردصلاحت شده بودند، مواجه شد، نیروهای اصولگرا در غیاب رقیب توانستند اکثریت مجلس را در اختیار بگیرند و در آن مجلس حداد توانست پس از انتخاب‌شدن به‌عنوان منتخب اول مردم تهران در انتخابات هیئت‌رئیس‌ه هم با رای ۱۹۶ در برابر ۵۵ رای حسن سبحانی به پیروزی برسد. یکی از اقدامات نمایندگان اصولگرای مجلس هفتم به ابتکار احمد توکلی و پشتیبانی حدادعادل طرحی موسوم به «تثبیت قیمت‌ها» بود.

علی‌ا طرح ماده سوم قانون برنامه چهارم به کل حذف شد و اصلاحیه‌ای جای آن را گرفت: «قیمت فروش بنزین، نفت‌گاز، نفت سفید، نفت‌کوره و سایر فراورده‌های نفتی، گاز، برق و آب، همچنین نرخ خدمات فاضلاب، ارتباطات تلفن و مرسولات پستی در سال اول برنامه چهارم، قیمت‌های پایان شهریور ۱۳۸۳ خواهد بود. برای سال‌های بعدی برنامه چهارم، تغییر در قیمت کالاها و خدمات مزبور طی لایوحی که حداکثر تا اول شهریور هر سال تقدیم می‌شود، پیشنهاد و به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.»

علما با این مصوبه، گام روبه‌جلوی قانون

غرب

بررسی گمانه‌زنی‌ها بر سر نامزدی غلامعلی حدادعادل در انتخابات ۱۴۰۰

سیاست

بررسی گمانه‌زنی‌ها بر سر نامزدی غلامعلی حدادعادل در انتخابات ۱۴۰۰

سیاست‌مدارِ شاعر در راه ریاست‌جمهوری؟



کمتر از یک سال دیگر هشتمین رئیس‌جمهور تاریخ جمهوری اسلامی ایران بر مسند ریاست دولت خواهد نشست و تا آخرین روز ثبت‌نام کاندیداها برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰، گمانه‌زنی برای ورود بسیاری از سیاست‌مداران به این رقابت انتخاباتی ادامه خواهد داشت. روزنامه «شرق» که نظر دارد در سلسله‌گزارش‌هایی به افرادی (از همه طیف‌های مختلف سیاسی، از اصولگرا تا میانه‌رو و اصلاح‌طلب) بپردازد که در دوران سیاست‌ورزی خود این توان و انتظار را ایجاد کرده‌اند تا بتوانند سید رایی برای رفتن به پاستور داشته باشند؛ اما گاه فرصت‌سوزی‌ها و گاه ناملایمات سیاسی روزگار ما، بخت و اقبال‌شان را برای پاستورنشینی کم کرده است.

قیمت بنزین را داد، طرحی که حدادعادل از آن دفاع کرد، بالا رفتن تدریجی و اندک و البته متناسب به تورم بنزین را به بهانه تثبیت قیمت بنزین متوقف کرد که در نهایت نتیجه‌اش افزایش چندبرابری قیمت بنزین در مقطع کنونی شد.

البته یکی دیگر از اقدامات حداد در دوران ریاستش بر مجلس هفتم نام‌های بود که در پی ردصلاحت‌شدن معین و مهرعلی‌زاده به رهبری نوشت و درخواست کرد که ایشان شورای نگهبان را به توسیع دایره نامزدهای واجد شرایط توصیه کند که این درخواست با تأیید رهبری و تأیید صلاحیت این دو نفر همراه شد.

مجلس هشتم و قول شرف مرتضوی

حداد در مجلس هشتم گرچه باز هم به‌عنوان نفر اول به مجلس رفت؛ اما این بار دیگر رئیس‌نشد و بازی را به علی لاریجانی واگذار کرد. از یکی از اقدامات قابل توجه او در مجلس هشتم می‌توان به وساطت او برای عدم استیضاح وزیر کار بر سر انتصاب سعید مرتضوی به ریاست سازمان تأمین اجتماعی اشاره کرد. حداد پیام آورد که مرتضوی



قول شرف داده که کنار برود، نمایندگان هم امضای استیضاح را پس گرفتند اما مرتضوی زیر قولش زد و کنار نرفت. محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور وقت، با حضور در مجلس گفت دولت هیچ تعهدی نداده است و مرتضوی نیز که صبح به احترام جلسه شب گذشته‌اش به سازمان تأمین اجتماعی نرفته بود، از بعدازظهر بر سر کار حاضر شد.

باخت مجدد به لاریجانی
اصولگرایان در انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی، با جبهه متحد اصولگرایان، جبهه پایداری و حامیان گفتمان انقلاب اسلامی (حامیان دولت نهم و دهم) تأثیر مهمی بر نتیجه انتخابات گذاشتند. جبهه صدای ملت که منتقدان دولت نهم و دهم به شمار می‌آمدند، هم به صورتی علی‌مطهری در درجه دوم اثرگذاری قرار داشتند. با شروع به کار مجلس نهم، اختلافات داخلی اصولگرایان نمایان‌تر شد.

به‌صورتی‌که یک طیف به حمایت از غلامعلی حدادعادل برای ریاست مجلس اصرار داشت و طیفی دیگر علی لاریجانی را برای ریاست مناسب می‌دانست؛ به‌این‌ترتیب اصولگرایان مجلس برخلاف رویه گذشته، نتوانستند یک فراکسیون واحد تشکیل دهند که در نتیجه آن فراکسیون رهروان ولایت اعلام موجودیت کرد؛ فراکسیونی که اکثریت نمایندگان مجلس در آن حضور داشتند.

علی لاریجانی نامزد مورد حمایت این فراکسیون بود و توانست بهر حدادعادل پیروز شود. از آنجا

که حداد در سال ۱۳۸۴ قیمت‌ها باید تثبیت شود و تغییری نداشته باشد؛ با وجود حجم گسترده‌ای از تبلیغ فواید و لزوم تثبیت قیمت‌ها در جهت کاهش نرخ تورم که از سوی نظریه‌پردازان این طرح صورت می‌گرفت، علت ذکر قید تنها یک سال برای تثبیت قیمت‌ها هم گویا ریشه‌ای سیاست‌زده داشت. در سال ۸۴ انتخابات نهمین دوره ریاست‌جمهوری برگزار شد و گران‌نشدن بنزین در ابتدای این سال، می‌توانست توده مردم را به سمت اعلان گران‌نشدن بنزین که در اینجا همان حامیان طرح تثبیت قیمت‌ها بودند، متمایل کند. اثبات این ادعا را می‌توان در تصمیم دیگر مجلس هفتم در سال ۸۶ یافت که به دولت وقت مجوز افزایش ۲۵درصدی

سیاست

هیچ توفیقی نداشت و هر روز هم بر دامنه اختلافات اصولگرایان افزوده می‌شد تا حدی که نیروهای پایداری حضور نیروهای قالیباف در لیست را نادرست می‌دانستند و قالیبافی‌ها پایداری‌ها را متهم به تسدروی می‌کردند و اصولگرایان سنتی هم سعی می‌کردند در این دعوا حضور نداشته باشند. این‌گونه مناقشات تا حدی بالا گرفت که اصولگرایان نتوانستند تا روز آخر تبلیغات انتخاباتی یک لیست واحد ارائه کنند که درنهایت و در روز آخر یک لیست بیرون آمد که البته چندان ایده هم نشد و شاید رای‌آوردنش بر مرون ردصلاحت گسترده نیروهای شاخص اصلاح‌طلب بود که البته همان رایی که نصب آن لیست شد، هم با رای حداقلی همراه بود.

مناقشه با فتاح

آخرین چالشی که تا این لحظه حداد با آن روبه‌رو شده سخنانی بود که پرویز فتاح، رئیس بنیاد مستضعفان، در صداوسیما علیه او زد. او در بخشی از سخنانش گفت: «ایشان برای احداث مدرسه فرهنگ در خیابان فرشته بنایی را اجاره کردند و این اجاره چندین نوبت تمدید شد البته این اجاره‌ها با ملاحظات بوده و مشمول نرخ روز نمی‌شد. درحال حاضر موعد اجاره سر رسیده است و باید تخلیه شده یا اجاره‌ها به نرخ روز تنظیم شود که البته با توجه به گرانی آن منطقه، احتمالا تمدید اجاره با نرخ روز برای ایشان به‌صرفه نخواهد بود.» فتاح با بیان اینکه ارزش مالی ملک مدرسه فرهنگ در حال‌حاضر ۲۰۰ میلیارد تومان برآورد می‌شود، ادامه داد: «قطعا پس از بازرس‌گیری، این ملک به فروش می‌رسد و پول حاصله، صرف محرومیت‌زدایی خواهد شد. آقای حدادعادل علاوه بر مدرسه فرهنگ، زمین دیگری برای ساخت مدرسه دریافت کرده بود که البته موفق به دریافت مجوز نشد؛ زیرا این زمین به متراز هشت هزار متر و منطقه هروی و بر روی گسل قرار دارد؛ به‌همین‌دلیل آقای حدادعادل این ملک ۴۰۰ میلیاردتومانی را به ما تحویل داد و بدون شک هزینه این ملک هم پس از فروخته‌شدن، صرف محرومان و محرومیت‌زدایی خواهد شد.»

درپی این سخنان، حداد نسبت به فتاح واکنش نشان داد و در پیامی ویدئویی گفت: «آقای فتاح از شما می‌پرسم: آیا نمی‌دانستید که مدرسه فرهنگ بعد از اطلاع مقام معظم رهبری از وضع ناهنجار رشته علوم انسانی در آموزش‌وپرورش با توصیه مؤکد ایشان برای احیای این رشته ایجاد شده است و ایشان با تصدیق ضرورت امر به مسئولان وقت بنیاد مستضعفان دستور داده‌اند که برای تأسیس و اداره این مدرسه مستقر شوند؟… آقای فتاح، شما از وضع مدارس این رشته قبل از تأسیس مدرسه فرهنگ و تحول مثبتی که پس از تأسیس آن در سراسر کشور ایجاد شده است، باخبرید؟ آیا فرزند شما با آگاهی شما از هدف و برنامه مدرسه فرهنگ، در همین مدرسه و همین ساختمان تحصیل نکرده است؟… خان‌های که مدرسه شما برای مدرسه مناسب نبود؛ لذا به دستور مقام معظم رهبری در سال ۷۴ با همه احتیاطی که ایشان در باب استفاده از بیت‌المال دارند و با توجه به اساسنامه مؤسسه فرهنگ که در آن قید شده است اموال مدرسه به بیت‌المال تعلق دارد، زمینی از بنیاد مستضعفان در اختیار مؤسسه قرار گرفت. پرویز فتاح بدون اینکه به مردم بگوید چرا و از سوی چه مرجعی و با توجه به چه واقعیت‌هایی آن خانه و زمین در اختیار مدرسه فرهنگ قرار گرفته است، با یک بیان تبلیغاتی تحریک‌آمیز در تلویزیون، برای خوشنام‌کردن خودش حدادعادل را بدنام و متهم به تصرف در بیت‌المال کرده است.»

در پی این پیام و البته اعتراضات افرادی که فتاح از آنها نام برده بود، پرویز فتاح درنهایت عذرخواهی کرد و گفت: «مطالب ارائه‌شده با خطای کلامی یا رعایت‌نکردن جانب انصاف توسط پنده به سمت دیگری حرکت کرد. درحالی‌که هیچ‌کدام از آنها استفاده شخصی از این اموال نداشتند. بیان نامناسب من مطالب را به اشتباه منقلد کرد؛ قصد نه نشان‌دادن پیگیری‌های جدی بود و همه آنها همکاری لازم را با ما داشتند، اما به نتیجه نهایی نرسیده‌ایم…»

اصلا نباید اصل مسئله را مطرح می‌کردم و وارد مسیر نام‌بردن از اسامی و سازمان‌ها می‌شدم، پس مسئولیت آن را به‌عنوان خطا و کار اشتباه می‌پذیرم. مقرره با هیئت وزیران دولت جمهوری اسلامی ایران اشتباهی کرده، به هر دلیلی از مرجع قضائی نظم‌خواهی کند. فقهای شورای نگهبان در این زمینه در واقع کار قابل تقدیری انجام دادند و از حقوق شهروندی که خودروی داشته و خودرو آن بر اساس ضوابط فنی هیچ‌گونه آلایندگی نداشته می‌باشد، این خودرو را به خاطر این آیین‌نامه دور بیندازد، دفاع کرده و گفته این قبیل خودروها با تشخیص خود دولت اگر آلودگی ندارند، نباید حق استفاده از آنها را تصنیع کرد؛ زیرا این امر مغایر شرع، اسراف و تضییع حقوق مردم است.

یادداشت

ایجاد محدودیت‌های قانونی بدون توجه به حقوق مردم

محمد بهادری‌جهرمی*

● یکی از ویژگی‌های قوانین و مقررات بُعد هنجاری آن به معنای لازم‌الاجرابودن و داشتن ضمانت اجرایی است؛ بنابراین اصولا لازم‌الاجرابودن و چارچوب هنجاری داشتن، ویژگی ذاتی قانون است و با قوانین و مقررات، شهروندان را ملزم به انجام مفاد آن کرده و محدودیت برای اعمال و رفتار شهروندان ایجاد می‌کنیم. اما سؤال این است که چرا این امر را در نظام حقوقی پذیرفته و یک‌سری محدودیت برای شهروندان ایجاد می‌کنیم؟ آیا اصل بر ایجاد محدودیت است؟! ایجاد محدودیت و چارچوب‌های قانونی برای شهروندان به منظور حفظ منافع و مصالح عمومی و همین‌طور منافع شخصی و فردی شهروندان است. محدودیت‌هایی که تأمین‌کننده منافع عمومی و منافع گروه‌های خاص حتی اشخاص نباشند از وجاحت برخوردار نیستند. به صرف اینکه نهادی مثل مجلس یا دولت حق وضع مقررات دارد نمی‌توانیم قائل باشیم که هر مقرراتی که توسط این نهادها وضع می‌شود مشروعیت دارد. یکی از این محدودیت‌ها، محدودیت ناظر بر تعیین سن فرسودگی خودروها موضوع آیین‌نامه اجرایی ماده ۸ قانون هوای پاک مصوبه ۲۱ شهریور ۱۳۹۷ است. در این آیین‌نامه برای خودروهای مختلف سن خاصی به‌عنوان سن فرسودگی در نظر گرفته شده است (از شش سال تا ۲۰ سال) و در واقع ارائه خدمات به این خودروها مانند تردد، بیمه‌شدن و سایر خدماتی که خودرو می‌تواند داشته باشد، به سن فرسودگی مندرج در آیین‌نامه مزبور منوط شده است. این یک محدودیت بود که در ظاهر ممکن است موجه به نظر برسد اما دراین‌میان یکی از شهروندان به دیوان عدالت اداری مراجعه و از این آیین‌نامه شکایت کرد و مدعی شد آیین‌نامه مزبور مغایر حقوق شرعی و قانونی است. درواقع آن فرد گفته بود خودرویی دارد که هر چند از سن قانونی تعیین‌شده عبور کرده اما هیچ‌گونه آلایندگی ندارد. این شکایت و ادعا چون وجه شرعی داشت صلاحیت اظهارنظر شرعی درخصوص مقررات دولتی بر عهده فقهای شورای نگهبان بود؛ بنابراین دیوان عدالت اداری، شریعت این آیین‌نامه را از فقهای شورای نگهبان استعلام کرد و فقهای شورای نگهبان نیز موضوع شکایت را بررسی کردند و در نهایت با بررسی و اظهار نظر کارشناسان و متخصصان حقوقی به این نتیجه رسیدند که درحال‌حاضر هدف اجرای آیین‌نامه اجرایی ماده ۸ قانون هوای پاک این است که هوای سالم در اختیار شهروندان قرار گیرد. بحث‌هایی که در بین فقها مطرح شد، این بود که با توجه به اینکه هدف قانون، تضمین وصول هوای پاک و محیط زیست سالم است و در قانون اساسی و موازین شرع نیز، برخورداری از محیط زیست سالم به‌عنوان یکی از حقوق شهروندان جامعه است، بنا بر نظر کارشناسان مشخص شد که در برخی موارد خودروها با سن خیلی کمتری امکان دارد آلایندۀ هوا باشند و در بعضی موارد هم ممکن است خودروها از آنچه در جدول آیین‌نامه درج شده سن بیشتری داشته باشند ولی آلایندۀ نباشند بنابراین اینکه سن نامت برای آن زرده خارج‌کردن خودروها در نظر بگیریم و مالکان خودروها به محض رسیدن به سن مندرج در آیین‌نامه، نتوانند خدماتی دریافت کنند و طبق آیین‌نامه جریمه شوند، درست نیست ضمن اینکه امکانی در کشور تحت عنوان معاینه فنی خودرو وجود دارد. در آیین‌نامه اجرایی مزبور و در قانون نیز گفته شده افراد باید برای خودروهای خود معاینه فنی بکینند. بنابراین شکایت این شهروند درست تشخیص و با حق دانسته شد و فقهای شورای نگهبان نظر دادند که از جهت شرعی صرف سن خودرو، نباید قابلیت استفاده از آن را برای فرد سلب کند. در واقع در راستای حمایت از حقوق شهروندان، شورای نگهبان این حکم و نظر را داد و نظرش این بود که چه سا خودرو یا زیرباین‌تر از سن مذکور در آیین‌نامه اجرایی ماده ۸ قانون هوای پاک، می‌تواند آلایندۀ باشد و چه بسا ممکن است سن خودرو خیلی بیشتر از سن مجاز بوده و فعالیت داشته و آلایندۀ هم نباشد. با توجه به اینکه راه تشخیص این موضوع وجود دارد و مراکز معاینه فنی در سطح کشور وجود دارند و اکنون نیز معینه معاینه فنی ملزم هستند تأییدیه‌های مراکز معاینه فنی را دریافت کنند بنابراین اطلاق این مصوبه که یک سن خاص ملاک و علت خارج‌شدن خودرو از رده رادر گیر، خلاف حقوق شرعی و قانونی شهروندان است و از این جهت حکم ابطال صادر شد. خود قانون هوای پاک نیز اعلام کرده که به دنبال کنترل آلودگی هواست بنابراین صاحبان وسایل نقلیه طبق ماده ۶ باید معاینه فنی انجام دهند و در دوره‌های زمانی منظم معاینه فنی کسب کنند. البته ممکن است به هر دلیلی قانون قصد داشته تا کار ساده‌تر را انجام دهد و سن خاصی را در نظر گرفته‌اند اما حق شهروند است که وقتی می‌بیند نهاد مقررۀ با هیئت وزیران دولت جمهوری اسلامی ایران اشتباهی کرده، به هر دلیلی از مرجع قضائی نظم‌خواهی کند. فقهای شورای نگهبان در این زمینه در واقع کار قابل تقدیری انجام دادند و از حقوق شهروندی که خودروی داشته و خودرو آن بر اساس ضوابط فنی هیچ‌گونه آلایندگی نداشته می‌باشد، این خودرو را به خاطر این آیین‌نامه دور بیندازد، دفاع کرده و گفته این قبیل خودروها با تشخیص خود دولت اگر آلودگی ندارند، نباید حق استفاده از آنها را تصنیع کرد؛ زیرا این امر مغایر شرع، اسراف و تضییع حقوق مردم است.

ادامه در صفحه ۷